



## The Mediating Role of Self-Differentiation and Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between the Quality of Object Relationships and Marital Satisfaction

**Hossein Bashi Abdolabadi**

PhD in Clinical Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran. Email: hosseinbashi75@gmail.com

**Qasem Ahi**

Assistant Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran. (Corresponding Author), Email: ahigh1356@yahoo.com

**Maryam Asle Zaker**

Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

**Fatemeh Shahabizadeh**

Associate Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

**Maryam Nasri5**

Assistant Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

Received: 11/12/2021

Revised: 30/08/2022

Accepted: 09/10/2022

**Citation:** Bashi Abdolabadi, H., Ahi, G., Asle Zaker, M., Shahabi zade, F., & Nasri, M. (2022). The Mediating Role of Self-Differentiation and Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between the Quality of Object Relationships and Marital Satisfaction. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 12(2), 25-46. doi: 10.22067/tpccp.2022.72289.1158

### Abstract

**Purpose:** The present study aimed to investigate the role of the quality of object relationships on matrimonial satisfaction mediated by the self-differentiation and cognitive emotion regulation.

**Method:** The study was descriptive-correlational research using Structural Equation Modeling (SEM) method. The population included all people who were married for at least two years and visited psychological and counseling clinics in Mashhad, Iran, from the period time of 2020 to 21 due to suffering from marital conflicts. The participants were selected using the convenience sampling technique. From 300 questionnaires that were distributed among the participants, a total of 260 questionnaires fulfilled the required analysis criteria. The instruments for data collection included Bell's object relations and reality testing inventory, the cognitive emotion regulation questionnaire, the differentiation of self inventory, and the ENRICH marital satisfaction scale. The data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and the Structural Equation Modeling (SEM) technique.

**Findings:** The findings showed that the quality of object relationships predicted the rates of matrimonial satisfaction ( $p < 0/05$ ). Moreover, the findings showed that the differentiation of self and negative cognitive emotion regulation played mediatory roles ( $p < 0/05$ ). Based of these findings, it is concluded that in both pre-marriage counseling and couples therapy programs, considering the quality of object relationships as well as the self-differentiation as the variables that are based on psychoanalytical concepts can be essential for designing beneficial interventions due to this assumption that the dependency on one's family and the relatives' interferences are always the most significant predictors of divorce.

**Keywords:** Cognitive Emotion Regulation, Marital Satisfaction, Quality of Object Relationships, Self-Differentiation

## پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره



مقاله پژوهشی

<https://tpccp.um.ac.ir>

دسترسی آزاد

## نقش میانجی خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان در ارتباط کیفیت روابط ابژه با رضایت زناشویی

حسین باشی عبدل‌آبادی

دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. hosseinbashi75@gmail.com

قاسم آهی

استادیار، گروه روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)، ahigh1356@yahoo.com

مریم اصل‌ذاکر

استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

فاطمه شهابی زاده

دانشیار، گروه روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

مریم نصری

استادیار، گروه روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۰	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۷
<b>استناد:</b> باشی عبدل‌آبادی، حسین، آهی، قاسم، اصل‌ذاکر، مریم، شهابی زاده، فاطمه، & نصری، مریم. (۱۴۰۱). نقش میانجی خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان در ارتباط کیفیت روابط ابژه با رضایت زناشویی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۲(۲)، ۴۶-۲۵. doi: 10.22067/tpccp.2022.72289.1158		

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش کیفیت روابط ابژه در رضایت زناشویی با میانجی‌گری نقش خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان انجام شد.

**روش:** پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی با رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه‌ی آماری پژوهش کلیه‌ی افراد متأهل دارای تعارضات زناشویی مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره شهر مشهد در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که حداقل دو سال از ازدواجشان گذشته باشد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. از مجموع ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شده ۲۶۰ پرسشنامه واجد ملاک‌های لازم جهت تجزیه و تحلیل تشخیص داده شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های روابط ابژه، تنظیم شناختی هیجان، تمایز یافتگی خود و رضایت زناشویی بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که کیفیت روابط ابژه پیش‌بینی کننده‌ی میزان رضایت زناشویی است ( $p < 0/05$ ). همچنین خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی منفی هیجان نقش میانجی را دارد ( $p < 0/05$ )؛ بنابراین، چه در مشاوره‌های پیش از ازدواج و چه در جلسات زوج‌درمانی اهمیت توجه متغیرهای مبتنی بر مفاهیم روانکاوی همچون کیفیت روابط ابژه و خود تمایز یافتگی و تنظیم مداخلات بر مبنای این مفاهیم با توجه به اینکه میزان دخالت خانواده و وابستگی به خانواده همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علل طلاق مطرح بوده، اهمیت فراوانی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** تنظیم شناختی هیجان، خود تمایز یافتگی، رضایت زناشویی، کیفیت روابط ابژه

## مقدمه

ازدواج بخشی جدایی‌ناپذیر از بهزیستی اجتماعی و عاطفی افراد است. ازدواج رضایت‌بخش به حال عمومی فرد کمک می‌کند، درحالی‌که نارضایتی زناشویی با پیامدهای منفی سلامت جسمی و روانی همراه است (Huang, Sirikantraporn, Pichayayothin, & Turner-Cobb, 2020). وقتی ازدواج پایدار و کمال یافته باشد زوجین سالم‌تر (Karney & Bradbury, 2020)، شادتر (Be, Whisman, & Uebelacker, 2013) و زندگی‌شان طولانی‌تر (Whisman, Gilmour, & Salinger, 2018) است، لذا درک عواملی که ممکن است احتمال رضایت زناشویی را افزایش دهد برای بهزیستی اجتماعی و عاطفی فردی از اهمیت زیادی برخوردار است (Huang et al., 2020).

یکی از عوامل مهمی که در سال‌های اخیر به آن توجه شده و بر رضایت زناشویی تأثیر دارد، تجارب اولیه‌ی فرد با والدین است. توجه به روابط اولیه اهمیت زیادی دارد، زیرا درک فرد از این تجارب و شیوه‌ی انطباق با آن‌ها می‌تواند کیفیت روابط زناشویی و ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد (Whitton et al., 2008). نظریه‌پردازان روابط ابژه معتقدند که ذهن کودک به‌واسطه‌ی تجارب اولیه با مراقبان شکل می‌گیرد و با رشد و تحول پیچیده‌تر می‌شود؛ بنابراین، این الگوها در سراسر زندگی نسبتاً ثابت باقی می‌مانند و آسیب‌شناسی بر اساس این الگوهای روابط ابژه درونی شده تبیین می‌شود (Jamil, AtefVahid, Deghani, & Habibi, 2015).

ویس (Weiss, 2014) بیان می‌کند خانواده‌ی اصلی در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی اثر پایداری دارد. کیفیت این رابطه، حتی پیش‌بینی کننده‌ی نوع انتخاب فردی است که به‌عنوان همسر برگزیده می‌شود (Feeney, 2005). در راستای اهمیت کیفیت روابط ابژه‌ی اولیه، در مطالعه‌ی (Kabir, Deghani, & Kiamanesh, 2015) نشان داده شد که بین کیفیت روابط ابژه و رضایت زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج مطالعه‌ی (Abbasi, Azadfallah, Ashtiani, & Farahani, 2021) نیز نشان داد، بین رضایت

زناشویی با ابعاد روابط ابژه‌ای (خودمیان بینی، بیگانگی، دل‌بستگی ناایمن و بی کفایتی اجتماعی) رابطه‌ی منفی معنادار وجود دارد. همچنین، مطالعه‌ی (Sina, Najarpourian, & Samavi, 2018) بیان کرد سبک‌های دل‌بستگی که ریشه در روابط ابژه‌ی اولیه دارد پیش‌بینی کننده‌ی رضایت زناشویی است. نتایج مطالعه‌ی جعفری سلطان آبادی و همکاران (Jafari Soltnabadi et al., 2021) نیز بیانگر وجود اثر غیرمستقیم کیفیت روابط ابژه بر میزان رضایت زناشویی بود؛ بنابراین، یکی از فرضیه‌های این پژوهش این است که کیفیت روابط ابژه پیش‌بینی کننده‌ی میزان رضایت زناشویی است.

در بافت عوامل خانوادگی، نقش جدایی روان‌شناختی<sup>۱</sup> نیز بسیار قابل توجه است. یکی از بنیادی‌ترین الگوهای تبیینی، مفهوم جدایی-تفرد<sup>۲</sup> است. از این دیدگاه، حرکت فرد به سوی یک سازش یافتگی سالم به شکل تنگاتنگ به توانایی او در جدایی روان‌شناختی از والدین و دستیابی به یک حس هویت مستقل، وابسته است (Bloom, 1980). مفهوم جدایی-تفرد برای نخستین بار در دیدگاه روان‌تحلیلی به‌عنوان یک فرآیند درون روانی که در طی سه سال نخست زندگی به وقوع می‌پیوندد، مطرح شد (Blos, 1967; Kroger, 1985; Parmaksız & Kılıçarslan, 2020). ماهر<sup>۳</sup> مفهوم جدایی-تفرد را در توصیف مرحله‌ای از رشد کودک که از ۴ یا ۵ ماهگی آغاز می‌شود و تا ۳۰ الی ۳۶ ماهگی ادامه می‌یابد، به کاربرد. فرآیند جدایی و تفرد مستلزم آن است که کودک در حضور مادر و در عین دسترسی‌پذیری هیجانی او، به توانایی عملکرد جداگانه دست یابد (Mahler, Pine, & Bergman, 1975). اصطلاح جدایی به معنای دستیابی کودک به حس درون روانی جدا بودن از مادر بوده و دستیابی به این حس تنها در صورتی امکان‌پذیر است که تمایز مشخصی میان بازنمایی ذهنی از خود و بازنمایی موضوعات دیگر شکل بگیرد (Kroger & Haslett, 1988). شواهد تجربی به‌طور گسترده از تأثیر سطح تمایز خود بر ابعاد سلامت روان و نشانگان اختلالات روانی سخن به میان آورده‌اند و تمایز یافتگی خود را عامل مهمی در ارتقای سلامت روان دانسته‌اند (Willis, Miller, Yorgason, & Dyer, 2021). در مطالعه‌ی (Vaziri & Nejad Mohammad Namaghi, 2020) تمایز یافتگی خود از پیش‌بینی کننده‌های تعارضات زناشویی بود. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سطح بالای تمایز یافتگی و ابعاد آن، پیش‌بینی کننده‌ی قوی کنترل موفق و سازگاری زناشویی (Skowron & Dendy, 2004)، رضایت زناشویی (Skowron & Dendy, 2004) و سطح پایین تعارضات زناشویی (Skowron, 2000) است. یوسفی و همکاران (Yousef et al., 2009) در تحقیقی نشان داده‌اند افرادی که

1. psychological separation

2. separation-individuation

3. Mahler

از خود تمایز یافتگی بیشتری برخوردارند، میزان بهزیستی ذهنی، سلامت روان و رضایت زناشویی بیشتری دارند. از آنجا که رابطه‌ی مادر و کودک از زمان بارداری و قبل از تولد شروع می‌شود، کیفیت این رابطه مقدم بر هر ظرفیت رشدی بعدی از جمله مفهوم تفرد-جدایی است، لذا در این پژوهش به‌عنوان یکی از فرضیه‌های اصلی پیش‌بینی می‌شود که تفرد-جدایی به‌طور مستقیم تحت رابطه با ابژه و کیفیات این رابطه تعیین شود و نقش میانجی در رابطه‌ی کیفیت روابط ابژه و رضایت زناشویی دارد.

مطالعات نشان داده‌اند اکثر مشکلات روان‌شناختی به‌واسطه یک آشفتگی هیجانی مشخص می‌شوند و این آشفتگی‌ها به‌طور زیربنایی با کارکرد معیوب در تنظیم هیجانی مرتبط می‌گردد (Bahram, Rabiei, & Nikfarjam, 2014).

روابط ابژه از بررسی چگونگی رشد ساختارهای درون روانی بر مبنای روابط پیشین درونی شده‌ی فرد با دیگران شکل می‌گیرد (Aliaghaei & Tahmas, 2019). یکی از مهم‌ترین ساختارهای درون روانی شخصیت ایگو<sup>۱</sup> یا من است. ایگو دارای کارکردهایی است که از مهم‌ترین آن تنظیم هیجان است. تنظیم هیجان یکی از مؤلفه‌های مهم یک سیستم خودتنظیمی است که برای سازگاری بسیار مهم است (PMD, 2020). آن یک دستاورد رشدی است که به‌منظور درونی شدن، نیازمند داشتن روابط تنظیم‌شده با مراقبین اولیه است (Mayes & Cohen, 1993). در حدود سه سالگی یک رابطه‌ی والد-فرزندی به‌اندازه‌ی کافی خوب منجر به شکل‌گیری هویت فردی کودک همراه با درونی کردن توانایی‌های والدین برای تشخیص و تنظیم هیجانان می‌شود، از این رو به ثبات ابژه تنظیم‌کننده‌ی خود<sup>۲</sup> دست پیدا می‌کند (Tyson, 1996).

تنظیم هیجانی، شامل گستره‌ای از راهبردهای شناختی و رفتاری هشیار و ناهشیار است که جهت کاهش، حفظ یا افزایش یک هیجان صورت می‌گیرد، یکی از متداول‌ترین این راهبردها، تنظیم هیجان با استفاده از راهبردهای شناختی است. شناخت‌ها یا فرآیندهای شناختی به افراد کمک می‌کند که هیجان‌ها و احساس‌های خود را تنظیم نموده و توسط شدت هیجان‌ها مغلوب نشوند (Ochsner & Gross, 2005). تنظیم شناختی هیجان، به شیوه‌ی شناختی مدیریت و دست‌کاری ورود اطلاعات فراخوانده هیجان، اشاره دارد (Gross, 2015). راهبردهایی که افراد برای تنظیم هیجان‌اتشان استفاده می‌کنند، در پژوهش‌های نظری و کاربردی بسیاری مورد بررسی واقع شده است (Kring & Sloan, 2009). در همین راستا گارنفسکی و همکاران (Garnefski, Kraaij, & Spinhoven, 2001) نه راهبرد متفاوت تنظیم شناختی هیجان را تحت

1. ego

2. self-regulating object constancy

عنوان راهبردهای مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان معرفی کرده‌اند. تنظیم هیجان شامل همه راهبردهایی می‌شود که برای افزایش، حفظ و کاهش مؤلفه‌های هیجانی، رفتاری و شناختی یک پاسخ هیجانی به کار برده می‌شود. پاسخ‌های هیجانی، اطلاعات مهمی درباره‌ی تجربه‌ی فرد در ارتباط با دیگران فراهم می‌کنند (Mazzuca, Kafetsios, Livi, & Presaghi, 2019).

تنظیم شناختی هیجان یکی از مهم‌ترین تکالیف برای سلامت جسمی و روان‌شناختی به‌ویژه در روابط زناشویی است (Maneta, Cohen, Schulz, & Waldinger, 2015). مطابق با یافته‌های پژوهشی، رضایت و سازگاری زناشویی ارتباط تنگاتنگی با مدیریت هیجان زوجین دارند (Damankeshan & Sheikholeslami, 2019) به‌گونه‌ای که زوجین دارای رضایت زناشویی، مدیریت بهتری در ابراز هیجان‌های منفی و مثبت خود دارند (Dori & Sohrab, 2014). یافته‌ها نشان داده‌اند تنظیم هیجانی نقش مهمی در افزایش صمیمیت و کیفیت زندگی زناشویی و در نتیجه افزایش رضایت زناشویی زوج‌ها دارد (Omidi & Talighi, 2017). در مطالعه‌ای (Piper & Duncan, 1999) نیز تنظیم هیجان، تنظیم عزت‌نفس، استفاده از فانتزی‌ها و دفاع‌ها و همچنین الگوی رابطه خوب را مربوط به کیفیت روابط ابراه می‌دانند؛ بنابراین، اگر فرد در تنظیم هیجان مشکلاتی داشته باشد و به‌خوبی نتواند هیجان‌ات خود را مدیریت کند، در روابط دچار آشفتگی‌هایی می‌گردد (Azizi, 2018)، لذا یکی از فرضیه‌های اصلی پژوهش این است که تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین کیفیت روابط ابراه و رضایت زناشویی نقش میانجی ایفا می‌کند.

همان‌طور که ازدواج، مهم‌ترین تصمیم در زندگی هر فرد است؛ رضایت‌مندی از ازدواج نیز اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی کیفیت زندگی و سلامت روان‌شناختی به‌شمار می‌رود. به همین دلیل محققان بسیاری برای بررسی کیفیت روابط زوجین، به مطالعه‌ی میزان رضایت زناشویی پرداخته‌اند (Jahandoost, Alaedini, & Barati, 2020). با این حال علی‌رغم رابطه‌ی خوب مستند شده‌ای که بین بعضی از سازه‌های روان‌شناختی با میزان رضایت زناشویی وجود دارد به نظر می‌رسد که نقش تأثیرگذار رابطه فرد با مراقبین اولیه در میزان رضایت و موفقیت در روابط بعدی او به اندازه کافی پرداخته نشده است. همچنین، متغیرهایی که احتمال می‌رود در این رابطه نقش واسطه‌ای ایفا کنند ناشناخته باقی مانده‌اند؛ بنابراین، آنچه نیاز به پژوهش بیشتر دارد علاوه بر کیفیت روابط ابراه با رضایت زناشویی، بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان و تمایز یافتگی خود در رابطه با کیفیت روابط ابراه با رضایت زناشویی است که در این پژوهش موردنظر است.

## روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی با رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری است و جامعه‌ی آماری

آن را کلیه‌ی افراد متأهل دارای تعارضات زناشویی مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره شهر مشهد که حداقل دو سال از ازدواجشان گذشته باشد، تشکیل دادند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. طبق نظر کلاین (Kline, 2015)، تعداد نمونه مناسب برای تحلیل مسیر و مدل‌سازی به ازای هر پارامتر ۱۰ تا ۲۰ شرکت‌کننده است. مطابق با اظهارات جیمز استیونس به نقل از هومن (Hooman, 2005) در نظر گرفتن ۱۵ مورد برای هر متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون چندگانه مناسب است. با در نظر گرفتن این دیدگاه و با توجه به اینکه در مطالعه حاضر ۱۳ پارامتر وجود داشته، حجم نمونه مورد نیاز ۲۶۰ نفر بود که با در نظر گرفتن احتمال ریزش و نیز بالا بردن دقت پژوهش ۳۰۰ مورد نمونه‌گیری شد. ملاک‌های شرکت در پژوهش علاوه بر کسب رضایت داوطلب، دارا بودن حداقل سواد خواندن و نوشتن، متأهل بودن در زمان تکمیل پرسشنامه و دامنه‌ی سنی بین ۲۰ تا ۶۰ سال و پذیرش شرایط پژوهش آنلاین بود. معیارهای خروج از مطالعه نیز شامل عدم تمایل به شرکت در مطالعه، نقص در تکمیل پرسشنامه‌ها و سوء‌مصرف مواد بود. با توجه به شرایط دوران کرونا و برگزاری جلسات مشاوره و درمان به صورت آنلاین برای انجام اهداف این پژوهش پس از آنکه لیستی از کلینیک‌های روانشناسی و مراجعین آن‌ها تهیه شد، پرسشنامه‌های پژوهش به صورت آنلاین برای شرکت‌کنندگان به همراه توضیحات لازم جهت تکمیل آن‌ها ارسال شد.

از مجموع ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شده، ۴۰ پرسشنامه حذف و ۲۶۰ پرسشنامه واجد ملاک‌های لازم جهت تجزیه و تحلیل تشخیص داده شد. از این تعداد ۲۰۱ نفر (۷۷ درصد) زن و ۵۹ نفر (۲۳ درصد) مرد بودند. از مجموع ۲۶۰ نفر، ۶۷ نفر (۲۶ درصد) بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۱۱۶ نفر (۴۵ درصد) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۶۳ نفر (۲۴ درصد) بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۴ نفر (۵ درصد) بالای ۵۰ سال سن داشتند. از نظر سطح تحصیلات ۷۰ نفر (۲۷ درصد) در مقطع دیپلم، ۱۰۵ نفر (۴۰ درصد) در مقطع کارشناسی، ۶۲ نفر (۲۴ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۳ نفر (۹ درصد) در مقطع دکتری بودند. از مجموع کل نمونه‌ها ۲۵ نفر (۹۶ درصد) متأهل و ۱۰ نفر (۴ درصد) مطلقه بودند. از نظر مدت زمان تأهل نیز ۱۴۶ نفر (۵۶ درصد) بین ۱ تا ۱۰ سال، ۷۷ نفر (۳۰ درصد) بین ۱۱ تا ۲۰ سال، ۳۲ نفر (۱۲ درصد) بین ۲۱ تا ۳۰ سال و ۵ نفر (۲ درصد) بیشتر از ۳۰ سال زندگی مشترک داشتند.

ملاحظات اخلاقی این پژوهش شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات و اجتناب از آسیب رساندن به شرکت‌کنندگان بود. برای گردآوری داده‌ها از پنج پرسشنامه استفاده شد که عبارت‌اند از:

**پرسشنامه روابط ابژه بل<sup>۱</sup>:** بل، بیلنگتون و بکر (Bell, Billington, & Becker, 1986) پرسشنامه روابط ابژه و واقعیت آزمایی را در سال ۱۹۹۵ طراحی نمود. این پرسشنامه چهار مقیاس بی کفایتی (SI)<sup>۲</sup>، خود میان بینی (EGO)<sup>۳</sup>، دلبستگی (IA)<sup>۴</sup> و بیگانگی (ALN)<sup>۵</sup> دارد (Goldman & Anderson, 2007). بل و همکاران (Bell et al., 1986) ضرایب پایایی باز آزمایی را برای ۴ و ۱۳ هفته در دامنه‌ای از ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همبستگی این ابزار را با پرسشنامه‌ی چند محوری بالینی میلون-۲ به عنوان شاخصی از روایی آن گزارش کردند. در پژوهش نیک‌فلاح و گلشنی (Nikfallah & Golshani, 2021) ضرایب آلفای کرونباخ برای چهار خرده مقیاس بیگانگی، دلبستگی نایمن، خود میان بینی و بی کفایتی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۰ به دست آمد. مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه کیفیت روابط ابژه در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۳ به دست آمد.

**پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI)<sup>۶</sup>:** پرسشنامه تمایز یافتگی خود ۴۳ آیتمی توسط اسکورون و فریدلندر (Skowron & Friedlander, 1998) ساخته شده که شامل چهار خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی<sup>۷</sup>، جایگاه من<sup>۸</sup>، گریز عاطفی<sup>۹</sup> و هم آمیختگی<sup>۱۰</sup> با دیگران است. اسکورون و فریدلندر (Skowron & Friedlander, 1998) همسانی درونی نمره‌ی کل و خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را برای واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۴، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴، جایگاه من ۰/۸۳، گریز عاطفی ۰/۸۲ و نمره‌ی کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش کردند. در مطالعه‌ی نجف‌لویی (Najaflui, 2006) آلفای کرونباخ برای واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۱، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۹، جایگاه من ۰/۶۴، گریز عاطفی ۰/۷۶ و نمره‌ی کل مقیاس ۰/۷۲ گزارش شد. در مطالعه‌ی صالحی و مرادی (Salehi & Moradi, 2020) پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد. مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه تمایز یافتگی خود در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۹ به دست آمد.

**پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان<sup>۱۱</sup>:** پرسشنامه‌ی تنظیم شناختی هیجان که توسط گارنفسکی و

- 
1. Bell Object Relations and Reality Testing
  2. social incompetence
  3. egocentricity
  4. insecure attachment
  5. alienation
  6. differentiation of self inventory
  7. emotional reactivity
  8. "I" position
  9. emotional cut-off
  10. fusion with other
  11. cognitive emotion regulation questionnaire (CERQ)



همکاران (Garnefski et al., 2001) تدوین شده یک پرسشنامه چندبعدی است که جهت شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در خارج کشور برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب آلفای کرونباخ برای کل سؤالات ۰/۹۵ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۳ به دست آمده است (Cunningham, Griffiths, Baillie, & Murray, 2018). نسخه‌ی فارسی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان در ایران توسط بشارت (Besharat, 2014) هنجاریابی شد. در این مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی این فرم، شامل همسانی درونی، اعتبار باز آزمایی، روایی محتوایی، روایی همگرا و تشخیصی، مطلوب گزارش شد. در مطالعه‌ی جعفری سلطان آبادی، منیرپور و میزرا حسینی (Jafari Soltnabadi, Monirpour & Mirzahoseini, 2021) برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ی تنظیم هیجان از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۴ به دست آمده است. مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه تنظیم هیجان در پژوهش حاضر برای مؤلفه‌ی تنظیم هیجان مثبت برابر با ۰/۸۵ و تنظیم هیجان منفی برابر با ۰/۸۶ به دست آمد.

**پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ<sup>۱</sup> فرم کوتاه (ENRICH-47):** پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ توسط لوسترمن، اولسون، راسل و اسپرینکل (Lusterman, Olson, Russell, & Sprenkle, 1989) طراحی شد. این پرسشنامه ویژگی‌های روان‌سنجی قوی دارد (Arnold & Min, 2004). همسانی درونی آن در دامنه‌ای از ۰/۷۳ تا ۰/۹۰ تخمین زده شده است (Olson & Olson, 2000). اعتبار این آزمون از طریق ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴ به دست آمده است. همچنین، در بررسی روایی این آزمون ضریب همبستگی آن با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت از زندگی ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشان‌دهنده‌ی روایی سازه آن است. کلیه‌ی خرده مقیاس‌های پرسشنامه انریچ زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این پرسشنامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (Sanai, 2018). در پژوهش علیزاده فرد و رزاقی (AlizadehFard & Razaghi, 2021) مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ به دست آمد. ویژگی روان‌سنجی گزارش شده برای این فرم، همسانی درونی ۰/۹۵ است. مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه رضایت زناشویی در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS 26 و Smart PLS 3 انجام شد. از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه متغیرها و از آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) برای آزمون مدل مفهومی استفاده شد. نقش میانجی‌گری با استفاده از روش بوت

استراییینگ<sup>۱</sup> آزمون شد.

### یافته‌ها

در جدول ۱ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. با توجه به این که مقدار کجی و کشیدگی متغیرها در دامنه ۲- تا ۲+ بود مفروضه نرمال بودن توزیع تک متغیرها تأیید شد و در نتیجه از آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون استفاده شد.

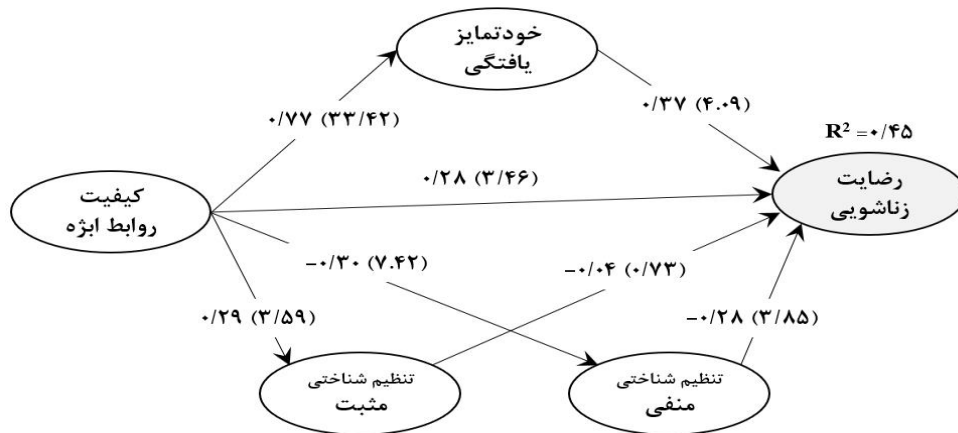
**جدول ۱: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش**

متغیرها	کیفیت روابط ابژه	خود تمایز یافتگی	تنظیم شناختی منفی	تنظیم شناختی مثبت	رضایت زناشویی
کیفیت روابط ابژه	۱				
خود تمایز یافتگی	۰/۶۴**	۱			
تنظیم شناختی منفی	-۰/۳۰**	-۰/۲۴**	۱		
تنظیم شناختی مثبت	۰/۰۹	۰/۰۱	-۰/۵۸**	۱	
رضایت زناشویی	۰/۵۶**	۰/۵۸**	-۰/۱۴*	-۰/۰۲	۱

\*\*  $p \leq 0/01$ , \*  $p \leq 0/05$

### آزمون مدل پژوهش

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) آزمون شد. شکل ۱ مدل تجربی است که در مدل مقادیر ضرایب استاندارد و مقدار  $t$  (داخل پرانتز) ارائه شده است.



شکل ۱: مدل تجربی در حالت ضرایب مسیر استاندارد (و مقدار t)

### بررسی برازش مدل

در جدول ۲ شاخص‌های برازش مدل ارائه گردید. شاخص GOF در مدل PLS راه‌حل عملی برای رفع مشکل بررسی برازش کلی مدل بوده و همانند شاخص‌های برازش در روش‌های مبتنی بر کوواریانس عمل می‌کند و از آن می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به صورت کلی استفاده کرد. چنانچه شاخص کلی برازش مقدار بیشتر از 0.36 به معنای این است که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است (Tenenhaus, Vinzi, Chatelin, & Lauro, 2005). جهت ارزشیابی مدل ساختاری نیز از ضریب  $Q^2$  (Stone-Geisser criterion) استفاده می‌شود که به آن اعتبار افزونگی یا CV-Redundancy نیز می‌گویند. در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا مقادیر 0.02، 0.15 و 0.35 به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای شاخص افزونگی معرفی شده است. معیار ضروری برای سنجش مدل ساختاری، ضریب تعیین ( $R^2$ ) متغیرهای مکنون درون‌زا است. چین (1988) مقادیر ضریب تعیین 0.67، 0.33 و 0.19 در مدل مسیر PLS را به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف توصیف می‌کند (Davari & Rezazadeh, 2013). شاخص‌های برازش مدل پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل

شاخص کلی برازش	شاخص اعتبار افزونگی	شاخص ضریب تعیین	متغیر وابسته
GOF	$Q^2$	$R^2$	رضایت زناشویی
0.37	0.33	0.45	

بر طبق نتایج، ضریب تعیین برای متغیر وابسته رضایت زناشویی برابر با ۰/۴۵ است که نشان می‌دهد ضریب تعیین مدل مقدار قابل قبولی است و متغیرهای پیش‌بین در مدل توانسته‌اند ۴۵ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کنند. مقدار شاخص  $Q^2$  (CV-Redundancy) برای متغیر رضایت زناشویی بالاتر از مقدار ۰/۱۵ به دست آمده است که مقدار مناسبی است و نشان می‌دهد مطابق با شاخص اعتبار افزونگی، مدل ساختاری از برازش مناسبی برخوردار است. مقدار شاخص GOF که برازش کلی مدل را می‌سنجد برابر با مقدار ۰/۳۷ است که بالاتر از معیار ۰/۳۶ است و نشان می‌دهد به طور کلی مدل از برازش مناسبی برخوردار است. در ادامه در جدول ۳ نتایج آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری به منظور بررسی اثرات مستقیم آمده است.

جدول ۳: آزمون ضرایب مدل تجربی: بررسی معناداری و شدت روابط

تأثیرها	ضریب تأثیر	انحراف استاندارد	مقدار t	p	نتیجه
تأثیر کیفیت روابط ابژه بر خود تمایز یافتگی	۰/۷۷	۰/۰۲۳	۳۳/۴۲	۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر کیفیت روابط ابژه بر تنظیم شناختی منفی	-۰/۳۰	۰/۰۴۱	۷/۴۲	۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر کیفیت روابط ابژه بر تنظیم شناختی مثبت	۰/۲۹	۰/۰۸۱	۳/۵۹	۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر کیفیت روابط ابژه بر رضایت زناشویی	۰/۲۸	۰/۰۸۱	۳/۴۶	۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر خود تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی	۰/۳۷	۰/۰۹۱	۴/۰۹	۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر تنظیم شناختی منفی بر رضایت زناشویی	-۰/۲۸	۰/۰۷۳	۳/۸۵	۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر تنظیم شناختی مثبت بر رضایت زناشویی	-۰/۰۴	۰/۰۶۱	۰/۷۳	۰/۴۶۷	رد

طبق داده‌های شکل ۱ و جدول ۳ اثر مستقیم کیفیت روابط ابژه بر تنظیم شناختی مثبت ( $\beta = ۰/۲۹$ ) مثبت و معنادار، بر تنظیم شناختی منفی ( $\beta = -۰/۳۰$ ) منفی و معنادار، بر خود تمایز یافتگی ( $\beta = ۰/۷۷$ ) مثبت و معنادار و بر رضایت زناشویی ( $\beta = ۰/۲۸$ ) مثبت و معنادار است. به علاوه تنظیم شناختی منفی به طور مستقیم،

منفی و معنادار رضایت زناشویی ( $\beta = -0/28$ ) را تحت تأثیر قرار می‌دهد، درحالی‌که اثر مستقیم خود تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی ( $\beta = 0/37$ ) مثبت و معنادار است. تنها رابطه غیر معنادار مربوط به اثر تنظیم شناختی مثبت بر رضایت زناشویی است ( $p > 0/05$ ).

در جدول ۴ نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم آمده است. در این بخش نقش میانجی‌گری خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی مثبت و منفی بررسی شد و از روش بوت استرپینگ برای آزمون میانجی‌گری استفاده شد. روش بوت استرپینگ یکی از روش‌های بررسی نقش میانجی‌گری است. در این روش طی فرآیند باز نمونه‌گیری، پارامتر جامعه تخمین زده می‌شود. یکی از مزایای این روش این است که خطای استاندارد و فاصله اطمینان معتبری در مورد پارامترها محاسبه می‌کند که با توجه به خطای استاندارد تخمین زده شده، می‌توان نقش میانجی‌گری را آزمود (Cheung & Lau, 2008).

جدول ۴: بررسی میانجی‌گری خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی با روش بوت استرپینگ

مستقل	میانجی	وابسته	شدت اثر	خطای استاندارد	p	نتیجه
کیفیت روابط ابژه	خود تمایز یافتگی	رضایت زناشویی	۰/۲۸۵	۰/۰۳۹	۰/۰۰۱	تأیید
	تنظیم شناختی مثبت	رضایت زناشویی	۰/۰۱۲	۰/۰۱۴	۰/۳۹۲	رد
	تنظیم شناختی منفی	رضایت زناشویی	۰/۰۸۴	۰/۰۲۶	۰/۰۰۲	تأیید

بررسی آزمون میانجی‌گری در جدول ۴ نشان داد که نقش میانجی‌گری خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی منفی در رابطه بین کیفیت روابط ابژه و رضایت زناشویی تأیید شد ( $p < 0/05$ )، اما نقش میانجی‌گری تنظیم شناختی مثبت، تأیید نشد ( $p > 0/05$ ).

## نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش کیفیت روابط ابژه در رضایت زناشویی با میانجی‌گری نقش خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که خود تمایز یافتگی در ارتباط بین کیفیت روابط ابژه با رضایت زناشویی نقش میانجی دارد. این یافته با پژوهش جانسون و همکاران (Johnson, Thorngren, & Smith, 2001) همسو است که حاکی از تأثیر خانوادگی اصلی و روابط اولیه با افراد مهم زندگی، بر میزان تمایز یافتگی خود در فرزندان است. نتیجه‌ی پژوهشی هوپر و دی پوی (Hooper & DePuy, 2010) در خصوص نقش میانجی خود تمایز یافتگی در رابطه با عوامل خانوادگی و سلامت آن‌ها، هم‌راستا با این فرضیه پژوهش است. در ارتباط با نقش میانجی خود تمایز یافتگی یافته‌های پژوهشی

نشان داد در شرایط پرتنش عاطفی مثل ازدواج، فرد تمایز نیافته نیاز به فرار یا نادیده گرفتن موقعیت دارد در حالی که با افزایش تمایز یافتگی، فرد تجربه‌های هیجانی را به رسمیت شناخته و قادر خواهد بود با هیجانانگیزی قوی‌تر روبه‌رو شود و با آن‌ها کنار بیاید (Drake, 2011). پژوهشی که در آمریکای لاتین توسط مک کلو (McCullough, 2005) انجام شد نقش خود تمایز یافتگی و هویت اخلاقی در میزان رضایت روابط زناشویی و حتی روابط غیر زناشویی را به تأیید رساند. پژوهش‌های متعددی گزارش می‌کنند که سطح بالای تمایز یافتگی و ابعاد آن، پیش‌بینی کننده‌ی سازگاری زناشویی (Skowron & Dendy, 2004)، رضایت زناشویی (Skowron & Friedlander, 1998)، رضایت جنسی (Adams, 2003) و سطح پایین تعارضات زناشویی (Skowron, 2000) است. بر اساس نتایج پژوهشی دیگری زوجینی که تمایز یافتگی کمتری دارند، انعطاف‌پذیری کمتری دارند، در برابر اضطراب مزمن زناشویی آسیب‌پذیرترند و توانایی استفاده از راه‌حل منطقی در رفع مشکلات زندگی را ندارند، لذا هر چه زوجین از میزان دشواری در تنظیم هیجانی بیشتر و خود تمایز یافتگی کمتری برخوردار باشند، بیشتر مستعد نارضایتی و تعارضات زناشویی هستند (Vaziri & Nejad Mohammad Namaghi, 2020).

در تبیین اهمیت خود تمایز یافتگی از دیدگاه روابط ابژه وینیکات<sup>۱</sup> معتقد است مبنای رشد سالم، پیشروی ایگوی کودک از وابستگی مطلق (به مادر) به سوی وابستگی نسبی و استقلال است. اگر مادر نتواند خود را با نیازهای کودک هماهنگ کند و محیط ناکام کننده یا ارضای افراطی فراهم سازد، کودک قادر نخواهد بود که رابطه‌ی بین خود و مادر را درونی کرده و به استقلال و فردیت تمایز یافته‌ای برسد. این کودکان در بزرگسالی یا به دنبال افراد یا ابژه‌هایی هستند که بتوانند از طریق آن‌ها دلبستگی که از آن محروم شده‌اند را دوباره به دست آورند و شخصیت‌های وابسته‌ای را شکل دهند، یا آنکه آن قدر احساس ناکامی و طردشدگی داشته باشند که نتوانند به راحتی روابط مورد اعتماد و باثباتی را در بزرگسالی شکل دهند و ترس از صمیمیت، نزدیکی و وابستگی داشته باشند. نکته حائز اهمیت از دیدگاه روابط ابژه برای رسیدن به خود تمایز یافته و مستقل برای اینکه کودک، قادر باشد دوره‌ی حیاتی جدا شدن از والدین و حفظ ارتباط به طور همزمان با آن‌ها را حل کند، نگرش‌های هشیار و ناهشیار والدین، مخصوصاً نگرش‌های مادر نسبت به فرایند جدایی-تفرد کودک است که نقش اساسی را در حل این وظیفه کودک دارد. از سوی دیگر نگرش‌ها و انتظارات مادرانه‌ای که باعث اضطراب، طرد و رهایی کودک شده‌اند، باعث بازنمایی‌های درونی شده‌ای می‌شوند که نیاز کودک به جدایی و تفرد را پس می‌زنند. در نتیجه، کودک با اضطراب مادر

همانندسازی می‌کند و شخصیت خود را مطابق با انتظارات و اضطراب‌های مادر، شکل می‌دهد (Rakipi, 2015). به اعتقاد وینیکات این همان خود کاذبی<sup>۱</sup> هست که در کودکی در رابطه با مادر جهت دریافت تأیید او مبنی بر دوست‌داشتنی بودن شکل می‌گیرد (Winnicott, 1953) که می‌تواند در بزرگسالی و رابطه زناشویی منجر به وابستگی‌های بیمارگونه، از خودبیگانگی و رفتارهای خود تخریب‌گر مازوخیستیک شود. در مورد اهمیت خود تمایز یافتگی در روابط زناشویی به‌عنوان عاملی میانجی بین روابط ابژه‌ی اولیه‌ی کودکی با روابط ابژه‌ی بزرگسالی، همین بس که یافته‌های پژوهشی نشان داده است که در جامعه ایران دخالت خانواده‌ها و اطرافیان به‌عنوان نشانه‌ای از عدم خود تمایز یافتگی از خانواده در مواردی به‌عنوان اولین عامل در میزان طلاق است (Hosseini, Rezapour, & Saatloo, 2015) و در پژوهش‌های دیگری به‌عنوان یکی از عوامل اصلی طلاق شناخته شده است (Riahi, Golzari, & Mootabi, 2020)، لذا اهمیت پرداختن به نقش ناخودآگاه و خودآگاه والدین در رشد فرزندان رش‌یافته و مستقل به‌عنوان نسل بعدی اهمیت پژوهشی و حتی بالینی زیادی خواهد داشت که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران و بالینگران بیش‌ازپیش قرار گیرد.

در تبیین نقش تمایز یافتگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی، می‌توان از نظریه‌ی بوئن نیز بهره برد. بوئن معتقد بود تمایز یافتگی بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه را در ازدواج بررسی می‌کند. انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی انعطاف‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند (Moemeni & Alikhani, 2013)؛ بنابراین، تمایز یافتگی پایین در یکی از زوجین به‌عنوان عاملی تأثیرگذاری در روابط زناشویی ضعیف، می‌تواند در مشکلات زناشویی نقش داشته باشد. در مطالعه‌ی فریرا، ناریسیسو، نوا و پریرا (Ferreira, Narciso, Novo, & Pereira, 2014) تمایز خود نقش مهمی در میل جنسی، صمیمیت و رضایت زناشویی دارد.

با توجه به نتایج پژوهش و بررسی فرضیه‌های دیگر پژوهش نقش میانجی‌گری تنظیم شناختی منفی هیجان که شامل راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان است در رابطه‌ی کیفیت روابط ابژه با رضایت زناشویی تأیید شد ولی نقش میانجی تنظیم شناختی مثبت هیجان که شامل راهبردهای سازگارانه هستند، تأیید نشد. در مجموع پژوهش‌های زیادی به نقش تنظیم هیجان در رضایت زناشویی پرداخته‌اند. در پژوهشی با عنوان

تغییر رضایت زناشویی بر اساس تنظیم هیجان یافته‌ها نشان داد تنظیم هیجانی نقش مهمی در افزایش صمیمیت و کیفیت زندگی زناشویی و در نتیجه افزایش رضایت زناشویی زوج‌ها دارد (Omidi & Talighi, 2017). در مطالعه‌ی نابورژیک و همکارانش (Nalborczyk et al., 2017) مشخص شد که افرادی که از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان استفاده می‌کنند می‌توانند کنترل شرایط را در دست گرفته و با ارزیابی مجدد و مثبت به حل سازگارانه‌ی آن مسئله پردازند در مقابل، افرادی که در برخورد با مسائل و مشکلات از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند بیش از آنکه بر خود مسئله و شرایط و موقعیت تمرکز داشته باشند، به هیجان‌ات آن فکر می‌کنند و خود یا دیگران را سرزنش می‌کنند. کلویینسکی، نیکچویچ، لاورنس سپادا (Kolubinski, Nikčević, Lawrence, & Spada, 2017) و مارتین و مارش (Martin & Marsh, 2009) نشان دادند که تنظیم هیجان ضعیف فرد را به سمت رفتارهای تکانشی، سطحی و منفی می‌کشانند و در برخورد با مسائل روزمره‌ی زندگی زناشویی، باعث افزایش بحث‌ها و اختلافات و ناتوانی در حل مسائل می‌گردد که زوجین را از حل سازگارانه‌ی مسائل دور می‌کند؛ بنابراین، تنظیم هیجان ضعیف باعث افزایش راهبردهای غیر انطباقی و ناسازگارانه مانند فاجعه‌نمایی، خودسرزنشگری شده و در نهایت این روند باعث کاهش رضایت زناشویی در زوجین می‌گردد.

در تبیین نتایج این پژوهش، موضوع قابل توجه این بود که در رابطه با کیفیت روابط ابژه و رضایت زناشویی نقش میانجی تنظیم شناختی منفی که شامل راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان از جمله سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار ذهنی و فاجعه‌آمیزی هست تأیید شد ولی راهبردهای مثبت تنظیم هیجان که شامل تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، اتخاذ دیدگاه، برنامه‌ریزی و پذیرش بود تأیید نشد. آیا سؤال تأمل برانگیز می‌تواند این باشد که چرا فقط تنظیم هیجان منفی نقش میانجی را دارد؟

اگر به متغیر مستقل کیفیت روابط ابژه نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که راهبردهای تنظیم هیجان ناسازگاری همچون سرزنش خود و دیگری نوعی از کارکردهای سوپر ایگو یا همان وجدان اخلاقی هستند که بخش اعظمشان ناخودآگاه است. سوپر ایگو به شدت تحت تأثیر روابط اولیه با مراقبین رشد و تکامل می‌یابد که شامل دو بخش ایده آل ایگو<sup>۱</sup> و ایگو ایده آل<sup>۲</sup> هست. این دو بخش مهم سوپر ایگو نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری دو مفهوم اساسی احساس گناه و احساس شرم دارند که عوامل تعیین‌کننده‌ای در ترمیم و رشد روابط بین فردی بوده (Bergman, Jacobs, Allison, Announcing, & Party, 2008) و محصول

---

1. Ideal Ego

2. Ego Ideal



روابط ابژه‌ای با کیفیت می‌باشند. هر چه قدر که کودک از محیط تسهیلگر بهتری برخوردار باشد از نظر تنظیم هیجان‌ات از سوپر ایگوی سالم‌تری برخوردار خواهد شد که به واسطه‌ی آن ارزیابی‌ها و اسنادهای درونی واقع بینانه‌تری در روابط داشته باشد. از این نظر والدینی که به نیازهای کودکان به‌طور هماهنگ و بهینه‌ای پاسخ می‌دهند روابط ابژه‌ای باثبات و اطمینان‌بخشی را شکل می‌دهند که در روابط بزرگ‌سالی و زناشویی بعدی فرزندان مؤثر است (Bitarafan, 2019). می‌توان استنباط کرد که راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان با توجه به ماهیت اساسی آن‌ها در ساختارهای درون روانی ناخودآگاه، از جمله سوپر ایگو با کیفیت روابط ابژه ارتباط مستقیم داشته باشند.

به نظر می‌رسد راهبردهای سازگار تنظیم هیجان همچون تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، اتخاذ دیدگاه و برنامه‌ریزی بیشتر راهبردهایی شناختی باشند و بیشتر وابسته به متغیرهای شناختی و حتی وابسته به هوش عقلی باشند تا متغیرهایی که در ارتباط با ناخودآگاه هستند. به نظر می‌رسد راهبردهای تنظیم هیجان مثبت به‌نوعی اکتسابی، آموزشی و قابل یادگیری باشند و به‌طور ثانویه تحت تأثیر پویای‌های درونی ناخودآگاهی هستند که به‌واسطه روابط اولیه‌ی کودکی، روابط ابژه‌های درونی ناخودآگاه را شکل داده‌اند. شاید به همین خاطر باشد که راهبردهای تنظیم هیجان مثبت به میزان کمتری در این پژوهش تحت تأثیر روابط ابژه بودند و لذا نقش میانجی معناداری نداشتند. این نتیجه بیشتر هم‌راستا با پژوهش‌هایی بود که مداخلات آن‌ها بیشتر بر اساس درمان‌های کوتاه‌مدت با محوریت تکنیک‌های شناختی و مبتنی بر آموزش و حل مسئله بودند تا مبتنی بر پویایی‌های درونی روانی ناخودآگاه که در درمان‌های روانکاوانه به آن توجه می‌شود (Damankeshan & Sheikholeslami, 2019). در ادامه این نوع تبیین می‌تواند این سؤال در ذهن متبادر شود که اگر راهبردهای سازگار تنظیم هیجان ممکن است به‌طور ثانویه از متغیرهای ناسازگار ناخودآگاه تنظیم هیجان تأثیرپذیرند و از طرفی فرد بتواند به‌طور آگاهانه به مؤلفه‌های شناختی به شیوه‌های مختلفی تسلط یابد، چرا در این پژوهش عملکرد متغیرهای سازگار هم‌راستا با متغیرهای ناسازگار نقش میانجی و معناداری نداشته است؟ پاسخی که می‌توان در نظر داشت این است که گروه نمونه پژوهش با توجه اینکه هنگام تکمیل پرسش‌نامه می‌توانسته به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به‌طور دفاعی از پاسخ‌دهی صادقانه پرهیز کند، تأثیر واضح‌تر احتمالی آن می‌تواند بر متغیرهای سازگار که متغیرهای شناختی و قابل کنترل هستند باشد تا پویای‌های روانی پیچیده‌تر ناخودآگاهی که از حیطه آگاهی به دور هستند. این موضوع خود نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تری خواهد بود. با توجه به نتایج و تبیین ارائه شده در این مقاله راجع به راهبردهای سازگار و ناسازگار تنظیم هیجان می‌توان فرضیات جدیدتری برای پژوهش بیشتر و حتی تبیین دقیق‌تری از

نتایج این پژوهش ارائه داد. همچنین تبیین ارائه شده می‌تواند نشان‌دهنده‌ی این باشد که برای بهبود و رضایت در روابط می‌توان هم بر یافته‌های حاصل از رویکردهای روانکاوانه و پویایی تأکید داشت و هم از رویکردهای شناختی و غیر پویایی کمک گرفت و بیشتر از اینکه این رویکردها نقض‌کننده هم باشند به نظر می‌رسد، مکمل همدیگر باشند. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی رابطه‌ی تنظیم شناختی مثبت با کیفیت روابط ابژه و روابط زناشویی و سایر متغیرهای این پژوهش و نیز نقش مکمل متغیرهای حاصل از رویکردهای روانکاوانه و غیر روانکاوانه به‌خصوص در بهبود روابط بین فردی و زناشویی، مورد توجه بیشتر پژوهشگران قرار بگیرد.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز هست. از جمله می‌توان به محدود شدن نمونه‌ی افراد متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های شهر مشهد اشاره کرد، لذا پیشنهاد می‌شود برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج بهتر است مطالعه بر روی زوج‌های بیشتر و در شهرهای دیگر کشور صورت گیرد تا اطلاعات جامعی در خصوص این پدیده فراهم گردد. پیشنهاد دیگر با توجه به اهمیت اساسی نقش والدین در رسیدن به خود تمایز یافته و مستقل فرزندان، می‌توان پژوهش‌هایی طراحی کرد که به‌طور همزمان بتوان، کیفیت روابط ابژه و نقش خود تمایز یافته را هم در زوجین و هم در والدین آن‌ها، در صورت در قید حیات بودن والدین بررسی نماید. از نظر کاربرد نتایج به اهمیت استفاده از پرسش‌نامه‌های کیفیت روابط ابژه، خود تمایز یافتگی و تنظیم هیجان در مشاوره‌های پیش از ازدواج و همچنین جلسات زوج‌درمانی با توجه به نتایج پژوهش می‌توان تأکید کرد. همچنین طراحی مداخلات بین نسلی از جمله خانواده‌درمانی هر یک از زوجین در کنار جلسات زوج‌درمانی آن‌ها می‌تواند در رسیدن به خود تمایز یافته تر پیشنهاد شود.

### تقدیر و تشکر

در پایان از همه اساتید و همکاران و به‌خصوص شرکت‌کنندگان پژوهش که سخاوتمندانه و صبورانه یاری‌گر ما در انجام این پژوهش بودند، صمیمانه کمال تشکر و قدردانی را داریم.

### References

- Abbasi, L., Azadfallah, P., Ashtiani, A. F., & Farahani, H. (2021). The relationship between the dimensions of object relations and marital satisfaction. *Clinical Psychology and Personality, 19*(1), 81-92. (In Persian)
- Adams, A. M. (2003). *Perceived influences of differentiation of self on marital and sexual satisfaction*: University of Louisiana at Monroe.
- Alighaei, H., & Tahmas, A. (2019). *Object relations and self-psychology: An introduction*. Clair MSt, Wigren J, (Author). Tehran: Nashreny. (In Persian)
- AlizadehFard, S., & Razaghi, M. (2021). Investigating the structural model of the relationship

- between marital satisfaction and cognitive-moral foundations and marital commitment. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 12(47), 259-282. (In Persian)
- Arnold, R., & Min, D. (2004). Empowering couples program for married couples. *Marriage and Family*, 7, 237-253.
- Azizi, A. (2018). Regulation of emotional, marital satisfaction and marital lifestyle of fertile and infertile. *Review of European Studies*, 10, 14-
- Bahram, A. K., Rabiei, M., Donyavi, V., & Nikfarjam, M. (2014). Comparison between emotion regulation strategies and life styles of couples with or without marital satisfaction in Sardasht. *Journal of Nurse and Physician within war*, 2 (4), 124-130. (In Persian)
- Be, D., Whisman, M. A., & Uebelacker, L. A. (2013). Prospective associations between marital adjustment and life satisfaction. *Personal Relationships*, 20(4), 728-739.
- Bell, M., Billington, R., & Becker, B. (1986). A scale for the assessment of object relations: Reliability, validity, and factorial invariance. *Journal of Clinical Psychology*, 42(5), 733-741.
- Bergman, R. L., Jacobs, D., Allison, M. R., Announcing, A., & Party, B. R. (2008). *Mindless Psychoanalysis, Selfless Self Psychology and Further Explorations*. In: Seattle: The Alliance Press.
- Besharat, M. (2014). Cognitive Emotion Regulation Questionnaire: Execution and Scoring Method. *ransformational Psychology (Iranian Psychologists)*, 50, 221-223. (In Persian)
- Bitarafan, M. (2019). *Investigating the relationship between parental attachment and suicidal ideation: The mediating role of feelings of shame, guilt, and separation-isolation*. (Master), Shahid Beheshti University of Medical Sciences. (In Persian)
- Bloom, L. (1980). *Adolescent Parental Separation*: Gardner Press.
- Blos, P. (1967). The second individuation process of adolescence. *The psychoanalytic study of the child*, 22(1), 162-186.
- Cheung, G. W., & Lau, R. S. (2008). Testing mediation and suppression effects of latent variables: Bootstrapping with structural equation models. *Organizational research methods*, 11(2), 296-325.
- Cunningham, M. L., Griffiths, S., Baillie, A., & Murray, S. B. (2018). Emotion dysregulation moderates the link between perfectionism and dysmorphic appearance concern. *Psychology of Men & Masculinity*, 19(1), 59-68.
- Damankeshan, A., & Sheikholeslami, R. (2019). Emotional regulation and marital satisfaction: the mediating role of anger rumination. *Quarterly Journal of Women and Society*, 10(38), 1-18.
- Davari, A., & Rezazadeh, A. (2013). Structural equation modeling with PLS software. *Tehran: Jihad-Daneshgahi Publications Organization*. (In Persian)
- Dori, A., & Sohrab, N. (2014). The Relationship between Marital Conflict Mediation in Relationship between Cognitive-Emotional Regulation Styles and Sexual Quality. *Practical Consultation*, 4(2), 37-48.
- Drake, J. R. (2011). *Differentiation of self inventory-short form: creation and initial evidence of construct validity*. University of Missouri--Kansas City,
- Feeney, J. A. (2005). Hurt feelings in couple relationships: Exploring the role of attachment and perceptions of personal injury. *Personal Relationships*, 12(2), 253-271.
- Ferreira, L. C., Narciso, I., Novo, R. F., & Pereira, C. R. (2014). Predicting couple satisfaction: The role of differentiation of self, sexual desire and intimacy in heterosexual individuals. *Sexual and Relationship Therapy*, 29(4), 390-404.
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2001). Negative life events, cognitive emotion

- regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*, 30(8), 1311-1327.
- Goldman, G. A., & Anderson, T. (2007). Quality of object relations and security of attachment as predictors of early therapeutic alliance. *Journal of Counseling Psychology*, 54(2), 111-117.
- Gross, J. J. (2015). Emotion regulation: Current status and future prospects. *Psychological Inquiry*, 26(1), 1-26.
- Hooman, H. A. (2005). *Structural equation modeling using LISREL software*. Tehran: Samt Publication. (In Persian)
- Hooper, L. M., & DePuy, V. (2010). Mediating and moderating effects of differentiation of self on depression symptomatology in a rural community sample. *The Family Journal*, 18(4), 358-368.
- Hosseini, E., Rezapour, M., & Saatloo, M. (2015). Investigating the effective factors on increasing the divorce rate How to cite this article:) Case study: Divorced couples in Sarpol-e Zahab city of Kermanshah province. *Quarterly Journal of Social Work*, 4(2), 33-41. (In Persian)
- Huang, C.-Y., Sirikantraporn, S., Pichayayothin, N. B., & Turner-Cobb, J. M. (2020). Parental Attachment, Adult-Child Romantic Attachment, and Marital Satisfaction: An Examination of Cultural Context in Taiwanese and Thai Heterosexual Couples. *International journal of environmental research and public health*, 17(3), 692.
- Jahandoost, S., Alaedini, Z., & Barati, H. (2020). The role of successful intelligence and emotional empathy in marital satisfaction Considering the moderating role of age. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 11(41), 139-156. (In Persian)
- Jamil, L., AtefVahid, M., Dehghani, M., & Habibi, M. (2015). Mental health from the perspective of psychoanalysis: the relationship between ego empowerment, defense styles and object relationships with health. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 2(21), 144-154. (In Persian)
- Johnson, P., Thorngren, J. M., & Smith, A. J. (2001). Parental divorce and family functioning: Effects on differentiation levels of young adults. *The Family Journal*, 9(3), 265-272.
- Kabir, M. M., Dehghani, M., & Kiamanesh, A. (2015). study of the relationship between object relations and defense mechanisms with marital satisfaction. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 5(s1), 3588-3597. (In Persian)
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on marital satisfaction and stability in the 2010s: Challenging conventional wisdom. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 100-116.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*: Guilford publications.
- Kolubinski, D. C., Nikčević, A. V., Lawrence, J. A., & Spada, M. M. (2017). The metacognitions about self-critical rumination questionnaire. *Journal of affective disorders*, 220, 129-138.
- Kring, A. M., & Sloan, D. M. (2009). *Emotion regulation and psychopathology: A transdiagnostic approach to etiology and treatment*: Guilford Press.
- Kroger, J. (1985). Separation-individuation and ego identity status in New Zealand university students. *Journal of Youth and Adolescence*, 14(2), 133-147.
- Kroger, J., & Haslett, S. J. (1988). Separation-individuation and ego identity status in late adolescence: A two-year longitudinal study. *Journal of Youth and Adolescence*, 17(1), 59-79.
- Lusterman, D.-D., Olson, D., Russell, C., & Sprenkle, D. (1989). *School-family intervention*

- and the circumplex model*: The Haworth Press New York.
- Mahler, M., Pine, F., & Bergman, A. (1975). *The psychological birth of the child*. NY: *Basic Books*.
- Maneta, E., Cohen, S., Schulz, M., & Waldinger, R. (2015). *Linkages between McCullough RB. The relationship among ethnic identity, differentiation of self, and marital and partner satisfaction in Latino Americans* Columbia University,
- Martin, A. J., & Marsh, H. W. (2009). Academic resilience and academic buoyancy: Multidimensional and hierarchical conceptual framing of causes, correlates and cognate constructs. *Oxford Review of Education*, 35(3), 353-370.
- Mayes, L., C., & Cohen, D., J. (1993). Playing and therapeutic action in child analysis. *International journal of psycho-analysis*, 74, 1235-1244.
- Mazzuca, S., Kafetsios, K., Livi, S., & Presaghi, F. (2019). Emotion regulation and satisfaction in long-term marital relationships: The role of emotional contagion. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36(9), 2880-2895.
- McCullough, R. B. (2005). *The relationship among ethnic identity, differentiation of self, and marital and partner satisfaction in Latino Americans*: Columbia University.
- Moemeni, K., & Alikhani, M. (2013). Relationship between family performance, self-differentiation and flexibility with stress, anxiety and depression in married women in Kermanshah city. *J Counsel Fam Psychother*, 3(4), 297-320. (In Persian)
- Jafari Soltnabadi, A., Monirpour, N., & Mirzahoseini, H. (2021). The Association of Couples' Feeling of Happiness with Differentiation of Self (DoS) and Early Object Relations with the Mediating Role of Religious Marital Satisfaction. *Journal of Applied Family Therapy*, 2 (1), 159-176. (In Persian)
- Najafzadeh, F. (2006). The role of self-differentiation in marital relationships. *Journal of New thoughts on Education*, 2(3), 27-37. (In Persian)
- Nalborczyk, L., Perrone-Bertolotti, M., Baeyens, C., Grandchamp, R., Polosan, M., Spinelli, E., . . . Løevenbruck, H. (2017). Orofacial electromyographic correlates of induced verbal rumination. *Biological Psychology*, 127, 53-63.
- Nikfallah, R., & Golshani, F. (2021). Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline and obsessive-compulsive personality disorders symptoms. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, 10(2), 125-138. (In Persian)
- Ochsner, K. N., & Gross, J. J. (2005). The cognitive control of emotion. *Trends in cognitive sciences*, 9(5), 242-249.
- Olson, D. H., & Olson, A. K. (2000). Empowering couples: PREPARE/ENRICH Program. *Marriage & Family: A Christian Journal*.
- Omid, A., & Talighi, E. (2017). Prediction couple's marital satisfaction based on emotion regulation. *International Journal of Educational and Psychological Researches*, 3(3), 157-162.
- Parmaksız, İ., & Kılıçarslan, S. (2020). The relationship between assertiveness and separation-individuation in adolescents. *Pegem Journal of Education and Instruction*, 10(3), 869-888.
- Piper, W., & Duncan, C. (1999). object relations and short-term psychotherapy. Finding of quality object relation scale. *Special issue: a research update on short-term dynamic psychotherapy*, 19, 669-685.
- PMD, T. F. (2020). *Psychodynamic diagnostic manual*. Silver Spring, MD: Alliance of

*Psychoanalytic Organizations.*

- Rakipi, S. (2015). *Parenting styles: Their impact on adolescent separation and college adjustment*. Capella University,
- Riahi, F., Golzari, M., & Mootabi, F. (2020). The Relationship Between Emotion Regulation and Marital Satisfaction Using the Actor-partner Interdependence Model. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 26(1), 44-63. (In Persian)
- Salehi, H. M., & Moradi, O. (2020). Designing a Sexual Satisfaction Predictive Model Based on Sexual Schemes and self-Differentiation in Couples. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing (IJPN) Original Article*, 8(1), 49-59. (In Persian)
- Sanai, B. (2018). *Family and Marriage Scales. Second Edition*, Tehran: Besat Publications. (In Persian)
- Sina, F., Najarpourian, S., & Samavi, S. A. (2018). The Prediction of Marital Satisfaction Through Attachment Styles and Love Story. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 12(4), 1-9. (In Persian)
- Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling Psychology*, 47(2), 229-237.
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26(3), 337-357.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling Psychology*, 45(3), 235-246.
- Tenenhaus, M., Vinzi, V. E., Chatelin, Y.-M., & Lauro, C. (2005). PLS path modeling. *Computational statistics & data analysis*, 48(1), 159-205.
- Tyson, P. (1996). Neurosis in childhood and in psychoanalysis: A developmental reformulation. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 44(1), 143-165.
- Vaziri, N., & Nejad Mohammad Namaghi, A. (2020). Predicting marital conflicts based on early maladaptive schemas, difficulty in emotionally adjusting and differentiating oneself in couples, *Women and Family Studies*, 13 (49), 147-165. (In Persian)
- Weiss, J. M. (2014). *Marital preparation, experiences, and personal qualities in a qualitative study of individuals in great marriages*: Utah State University.
- Whisman, M. A., Gilmour, A. L., & Salinger, J. M. (2018). Marital satisfaction and mortality in the United States adult population. *Health Psychology*, 37(11), 1041-1044.
- Whitton, S. W., Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Allen, J. P., Crowell, J. A., & Hauser, S. T. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationship adjustment. *Journal of family Psychology*, 22(2), 274-286.
- Willis, K., Miller, R. B., Yorgason, J., & Dyer, J. (2021). Was Bowen Correct? The Relationship Between Differentiation and Triangulation. *Contemporary Family Therapy*, 43(1), 1-11.
- Winnicott, D. W. (1953). Psychoses and child care. *British Journal of Medical Psychology*, 26(1), 68-74.
- Yousef, N., Etemadi, O., Bahrami, F., Al-Sadat Fatehezade, M., Ahmadi, S. A., & Beshlideh, K. (2009). Structural Relationships between Self-Differentiation and Subjective Wellbeing, Mental Health and Marital Quality. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 3(2), 4-14. (In Persian)